



# شهر در آمریکای شمالی

نویسنده: بورکهارد هوف مایستر  
ترجمه: حسین حاتمی نژاد<sup>۱</sup> (دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)

## ۱- شهر آمریکای شمالی به مشابه یک نمونه مشخص فرهنگی - ژنتیکی

در بررسی ساختارهای شهری سه سطح پژوهشی وجود دارد. نخست نگاهی به سطوح اول و سوم خواهیم داشت. سطح خرد تحقیقات، شهرهای جداگانه را با متمرکز به فروشان، مبداء و توسعه تاریخی شان و ترکیب خاص کارکردهای شهری و کاربردهای اراضی مورد بررسی قرار می‌دهد. هریس و اولمن در تحقیق معروفشان تحت عنوان «ماهیت شهرها» در سال ۱۹۴۵ این نقطه نظر را با عبارت زیر مشخص نمودند: «هر شهر در جزئیات، منحصر به فرد است ولی در عملکرد و الگو مشابه دیگر شهرهاست».

در سطح کلان پژوهش، تمام شهرهای دنیا براساس سیمای مشترکشان مورد بررسی قرار می‌گیرند: شهر یک نوع سکونتگاه در مقیاس جهانی در نظر گرفته می‌شود که اشکال و عملکردهای خاصی نشان می‌دهد. یعنی همان عواملی که آن را به صورت شهر درآورده‌اند.

هر دو دیدگاه، یعنی سطح خرد (اختصاصی) و سطح جهانی ممکن است در جغرافیای شهری به طرز موفقیت آمیزی بکار گرفته شوند و شایستگی‌های خودشان را در آشکار کردن ماهیت شهرها داشته باشند. با وجود این حتی با بکارگیری هر دو دیدگاه یک جغرافیدان قادر نخواهد بود در مورد پیچیدگی پدیده شهر اشراف کامل پیدا کند.

در میان دو دیدگاه فوق، سطح میانی دیگری وجود دارد که بوسیله آن، این امکان وجود دارد که به گروهی از شهرها در ناحیه بخصوصی از دنیا نظر بیفکنیم. چنین شهرهایی با دارا بودن ویژگیهای معدودی مشابه یکدیگرند. و در عین حال از شهرهای نواحی دیگر متفاوت می‌باشند. سیمای چنین شهرهایی ممکن است ناشی از عقاید و افکار ساکنینشان و علایق مردم در ساخت سکونتگاههایشان باشد. شهرها تا حدی مشخص،

آیینهای از تمایلات بنیانگذاران و نسلهای ساکن بعدی می‌باشند. اصطلاح بی طرفانه «ناحیه» تا حدی به منظور ملاحظات بیشتر به کاربرده شده است. تشابهات از یک سو و اختلافات از سوی دیگر برحسب «درجه و میزان تجرد» انتخاب شده برای هر تحقیق متفاوت است. اگر ما، شهر آمریکای شمالی را به عنوان یک نمونه مشخص ناحیه‌ای از سکونتگاهی شهری در نظر بگیریم، بایستی از این واقعیت که بالاترین «درجه تجرد» را انتخاب کرده‌ایم، حذر کنیم. رجوع شود به حوزه فرهنگی<sup>۲</sup> برحسب فهم آلبرت کلب<sup>۳</sup> این نمونه فرهنگی - ژنتیکی شهر موضوع تحقیق حاضر خواهد بود.

یقیناً، ما از تمامی تنوعات ناحیه‌ای که ممکن است در حوزه فرهنگی بزرگ آمریکای شمالی یافت شود، قطع نظر کرده‌ایم. همان طور که گلدبرگ<sup>۴</sup> و مرسر<sup>۵</sup> در کتابشان تحت عنوان «افسانه شهر آمریکای شمالی» مبارزه طلبی قاره‌ای، خاطرنشان می‌سازند، مرز بین المللی بین ایالات متحده که در سال ۱۷۷۶ میلادی یک کشور قدرتمند شد و کانادا که تا قبل از کسب حاکمیت (سال ۱۸۶۷ میلادی) به نام «بریتیش نرت آمریکا»<sup>۶</sup> و تحت فرمان بریتانیا بود، تفاوتی قابل توجهی را بین شهرهایی مانند شیکاگو (از کشور آمریکا) و تورنتو (از کشور کانادا) بوجود آورد. بنابراین، با عمق نگری بیشتر، می‌توان به خوبی بین شهر کانادایی از یک طرف و شهر ایالات متحده از سوی دیگر فرق قائل شد.

فرق‌گذاری دقیق‌تر توسط آلفرد هشت<sup>۷</sup> به کشف تفاوت بین شهرهای انگلیسی زبان و شهرهای فرانسوی زبان کانادا منجر شد. به روشی مشابه می‌توان بین شهرهای دوره استعماری انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی که بر شهرهای امروزی ایالات متحده تأثیر گذاشته‌اند و شهرهای مناطق غربی آن تفاوت قائل شد.

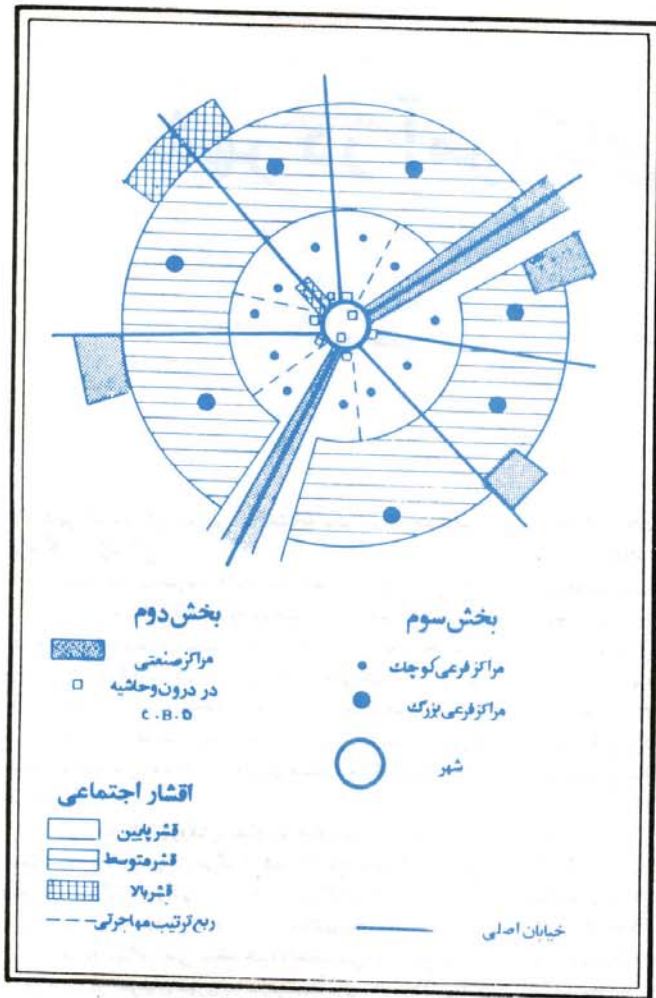
چنین شهرهایی در نواحی وسیعی که طبق حکم کشوری (سال

۱۷۸۵ میلادی) نقشه برداری شده بود در اثنای قرن نوزدهم و در طی مرحله گسترش غرب تشکیل شدند. عمدتاً این همان ناحیه‌ای است که در این تحقیق، شهر آمریکای شمالی به عنوان یک نمونه فرهنگی - ژنتیکی آن مطرح می‌شود.

## ۲- اشکال ساختاری غالب در شهر آمریکای شمالی

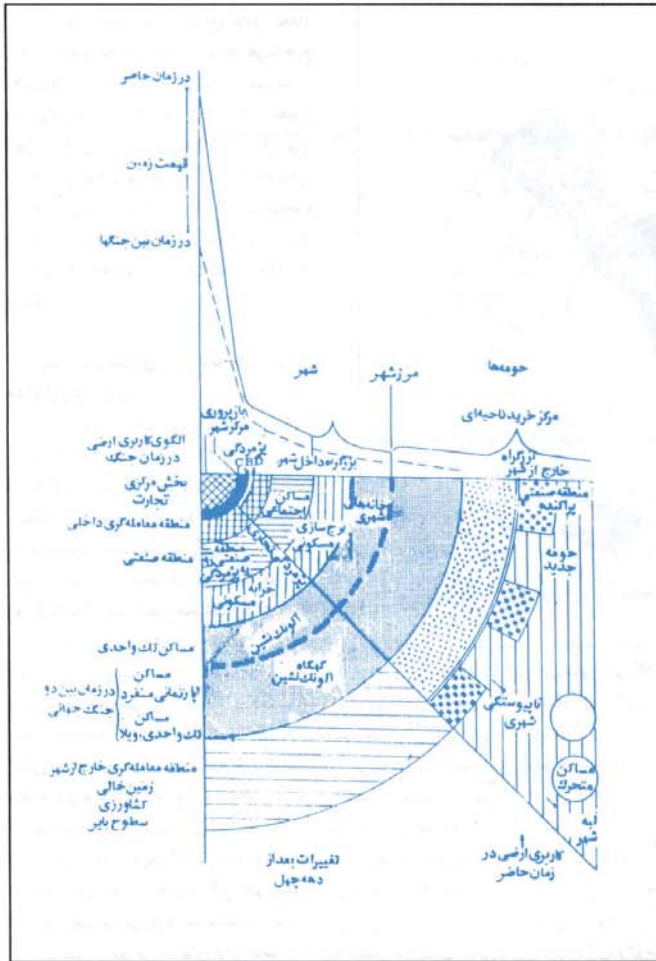
در اینجانب شکل مهم ساختار شهری آمریکای شمالی مدنظر قرار می‌گیرند. C.B.D. یا بخش مرکزی تجارت، منطقه تحول، محلات مسکونی داخلی، قطعه‌های خاص توسعه و حومه. هسته شهر معمولاً دارای بافت شطرنجی است و به عنوان بخش مرکزی تجارت، توسعه یافته است این اصطلاح که در جغرافیای شهری و در سطح جهان رایج شده است، نخست در ایالات متحده پدیدار یافت و از نخستین نمونه آمریکایی سرچشمه گرفت. بنابراین، این اصطلاح به آسانی قابل انتقال به حوزه‌های مختلف فرهنگی نیست. زیرا آستانه بخشی که C.B.D. نامیده می‌شود شدیداً براساس استفاده‌های خیلی فشرده از بلوکهای مرکزی و تقریباً عاری ساختن از هر نوع استفاده سکونتی است، یا به عبارت دیگر حد نهایی جدایی‌گزینی کارکردی است. آستانه‌ای که از نظر ارتفاعی برای C.B.D. در نظر گرفته می‌شود تمرکز زیاد آسمانخراش‌هاست؛ فضاهاى ادارى و خسرده فروشى بسیار زیادى در این آسمانخراشها وجود دارد. در شهرهای آمریکای شمالی هر دو خصیصه به حد نهایی خود رسیده است و به ندرت خارج از حوزه فرهنگی آمریکای شمالی یافت می‌شود.

محدوده پیرامون C.B.D. «منطقه تحول» نامیده می‌شود. این منطقه برای C.B.D. کارکردهای کمکی دارد؛ مانند کلی فروشی، انبارداری و بناگاههای بزرگ حمل و نقل و استفاده‌های خاص تجاری مانند چاپ، کارکردهایی که از ماهیت C.B.D. حاصل می‌شود؛ و با میزان بسیار زیاد اجاره مشخص می‌شود. منطقه تحول یک ناحیه بسیار پویای شهری است. این پویایی با کارکردهای در حال پیشرفت C.B.D. به درون قسمتهای بهترش و با عقب‌نشینی منظم کارکردهای مرکز در مقابل قسمتهای نامناسب‌تر آن مشخص می‌شود.



نگاره (۱): ناحیه شهری (اقتباس از بوسکف ۱۹۶۲)

محلات مسکونی داخلی که منطقه تحول را احاطه می‌کنند بوسیله ساختمانهای فرسوده موجود قابل تشخیص می‌باشند. این وضعیت حداقل تا حدی به علت این واقعیت است که بسیاری از خانه‌ها از چوب ساخته شده بودند و سریعاً در معرض پوسیدگی قرار گرفته‌اند. این محلات بیشتر بوسیله چیزی که نامیده می‌شود قابل تشخیص‌اند. یعنی مؤسسات مالی از پذیرش رهن خانه‌های این محلات خودداری می‌کنند؛ همچنین این محلات بوسیله عقب‌افتادگی مکرر مالیاتی و بیکاری قابل تمایزند. از میان اقدامات انجام گرفته علیه این وضعیت منفی بالاتر از همه، احیاء و نوسازی شهری



است که براساس یارانه‌های کشوری و خانه‌سازی شهری بوسیله اجتماعات خاص صورت می‌گیرد. این کمکها به خانواده‌هایی است که عمدتاً با بیرونی کار خانوادگی متقاضی تعمیر خانه‌هایشان می‌باشند. در برخی شهرها برای ارتقاء درجه محلات مسکونی داخلی از نظر تعداد اعیان اقداماتی صورت گرفته است. این منطقه همچنین اقلیتهای بزرگی از گتوها، شامل منطقه سیاه‌نشین را در خود جای می‌دهد. چنین منطقه‌ای در شهرهای کانادا وجود ندارد.

معمولاً در شهرهای آمریکای شمالی دو بخش توسعه قطعی وجود دارد. از یک طرف، یک قطاع مشخص از گروههای اجتماعی وجود دارد که از نواحی مسکونی داخلی‌شان به سوی نواحی مسکونی حومه‌ها پیشروی می‌کنند و از سوی دیگر تمرکز شدید کارخانه‌های صنعتی در کنار خطوط آهن می‌باشد. این تمرکز به خاطر دستیابی مستقیم به محدوده‌های C.B.D است. این پدیده ناشی از این واقعیت است که در ناحیه وسیع غرب کوه‌های آپالاش طراحی شهرها و احداث راه‌آهن معمولاً همزمان بوجود آمد. بسیاری موارد شرکت‌های راه‌آهن بوجود آورنده شهرها بودند. بدین ترتیب شهرها در اطراف ایستگاه راه‌آهن تمرکز می‌یافتند. در حالی که جاده‌ها مرکز شهر را قطع می‌کردند کارخانه‌ها در حول و حوش هسته جذب می‌کردند و این قسمت عاقبت به C.B.D تبدیل می‌شد.

حلقه بیرونی حومه‌ها منحصرأ بوسیله خانه‌های تک خانوار مجزا اشغال نشده است با وجود این، برای چندین دهه سطوح بالای درآمد، شرایط مطلوب توسعه دهندگان برای

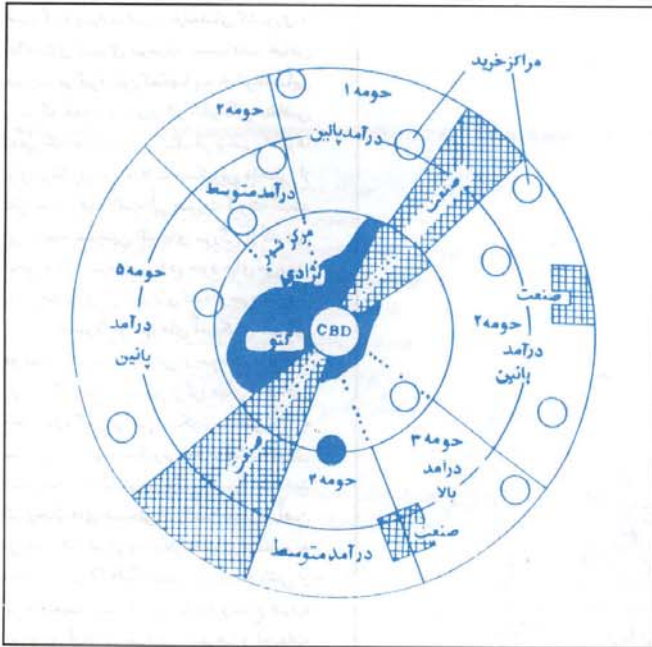
مالکین بعدی خانه، قیمت نسبتاً پایین به علت استفاده از الوار چوبی، میزان زیاد مالکیت اتومبیل و ساخت گسترده بزرگراه‌های شهری موجب گسترش فیزیکی نامتراکم شهر شد. باید ذکر مخصوصی از مسکن متحرک (سیار) به میان آید که باعث گسترش محدوده بسیاری از شهرهایی شدند که دارای قوانین منطقه‌بندی بودند.

احداث واحدهای مسکونی قبل از حومه‌گرایی بخش تجارت و خدمات خرده‌فروشی در مراکز جدید خرید و حومه‌گرایی کارگاههای صنعتی به وقوع پیوست. دوره زمانی پیدایش تعداد زیادی از پارکهای صنعتی قبل از حدود سال ۱۹۶۵ میلادی یعنی پس از پیدایش پارکهای

## نگاره (۲): مدل حلقه و قطاع مجتمع از شهرهای آمریکایی (اقتباس از ریس ۱۹۶۹)

اداری و تجاری بوده است. در موارد زیادی، چنین پارکهای تجاری تقریباً از طریق گسترش مراکز خرید بوجود آمدند. بدین ترتیب منطقه روستا - شهر<sup>۸</sup> پیدایش یافت. خصیصه روستا شهرها این است که دارای تراکم متوسط جمعیت می‌باشند که تا حدودی از تراکم جمعیت محلات مسکونی کمتر است و همزمان بیش از تراکم جمعیت در حومه‌های دارای مسکن تک خانوار می‌باشد. بدین ترتیب با تضمین تعداد حداقل ساکنین، نگهداری (ابقاً) مطلوبیتهای خاص فرهنگی را طلب می‌کند. موقعیتهای مکانی مطلوب خصوصاً عبارتند از: خروج بزرگراه‌های شهری و مخصوصاً تقاطع‌های پیرامون بزرگراهها.





نگاره (۳): مدل شهر آمریکایی (اقتباس از واتسون ۱۹۷۹)

خانه‌دارها در قطاع مرفه‌نشین (ساکنین دارا) وجود دارد. بنابراین ساختار منطقه‌بندی براساس عمر واحدهای ساختمانی تحت‌الشعاع حرکت قطاعی ساکنین با وضعیت اجتماعی خاص قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر وضعیت اجتماعی ساکنین بیشتر از عمر ساختمانها در منطقه‌بندی مؤثر است.

واتسون<sup>۲۱</sup> یک مدل مشتق از ارزش زمین<sup>۲۲</sup> در کتابش «جغرافیای اجتماعی ایالات متحده» (۱۹۷۹) و کتاب دیگرش به نام «ایالات متحده سرزمین موعود»<sup>۲۳</sup> (امیدآباد) ۱۹۸۲ معرفی می‌کند. نمودار مندرج در کتاب ۱۹۷۹ نگاره (۳) همچنین شامل یک منحنی ارزش زمین است، در صورتی که تحقیق سال ۱۹۸۲ یک مدل دینامیکی شامل شش مرحله توسعه را نشان می‌دهد. از آنجایی که مدل بعدی نیز براساس ارزش زمین است در اینجا فقط به مدل قبلی (۱۹۷۹) ارجاع می‌شود.

در جشن نامه‌ای به افتخار والتر گرینگ<sup>۲۴</sup> که در سال ۱۹۷۲ منتشر گردید. هولتز مدلی ارائه داد که به عقیده نگارنده بسیار واقع‌گرایانه بود. دلایل آن به قرار زیر است نگاره (۴).

اولاً، این مدل، منطقه‌بندی (زونال)، عناصر قطاعی و چند

هسته‌ای شهرهای آمریکای شمالی را منعکس می‌سازد. ثانیاً، گنوهای مربوط به گروه‌های اقلیت شامل منطقه سیاهان در نواحی مسکونی داخلی به وضوح ارائه شده است.

این توسعه چند هسته‌ای شامل تعداد زیادی از مجموعه‌های مسکونی بوده و تقریباً عدم یکپارچگی بسیار بالایی را در نواحی متروپلیتن بدنیال آورده است. با وجود این نمی‌توان با مفهوم شهر آمریکایی<sup>۹</sup> نوشته لوتز هولتز<sup>۱۰</sup> موافق بود. وی در این خصوص معتقد است که امروزه شهرهای بزرگ از نظر سنتی در ایالات متحده وجود ندارند و آن شهرهایی که دارای فضای مترامک و فشرده شهری هستند متعلق به گذشته بوده و دیگر وجود ندارند.

### ۳- ساختار شهری به مثابه بازتابی از مدل‌های منتخب

مدلهای اولیه ساختار شهر بوسیله هورد<sup>۱۱</sup> (۱۹۰۳)، برگس<sup>۱۲</sup> (۱۹۲۵)، هویت<sup>۱۳</sup> (۱۹۳۹) و هریس و اولمن (۱۹۴۵) در ایالات متحده آمریکا ساخته شد ولی در اینجا در جزئیات مورد بحث قرار نمی‌گیرند، نگارنده هم خود را به مدل‌های معطوف می‌کند که طی سه دهه گذشته توسط مؤلفین مختلف ارائه شده‌اند. بوسکف<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۲) در کتابش تحت

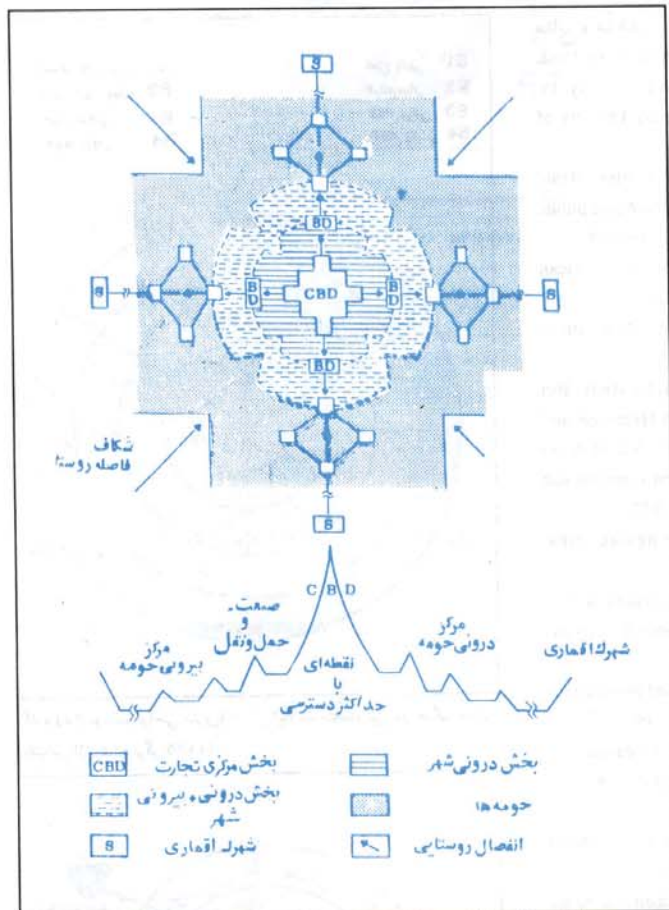
عنوان «جامعه‌شناسی نواحی شهری» نمودار

ساده شده ناحیه شهری را نمایش می‌دهد نگاره (۱) او بین شهر مرکزی، منطقه حومه با حومه‌های مسکونی و صنعتی، حاشیه شهری<sup>۱۵</sup>، شهرهای اقماری و مناطق برون شهری<sup>۱۶</sup> فرق قائل شد. ما می‌توانیم به آسانی منطقه‌بندی «زونال»<sup>۱۷</sup> و چند هسته‌ای را در مدلش کشف کنیم، در صورتی که عناصر قطاعی وجود ندارند. بوسکف در متن کتابش مثالهایی از قسمتهای مختلف جهان گردآوری کرده، بنابراین نمودار پیشنهادی‌اش نباید برچسب مدل شهر آمریکای شمالی بخود بگیرد. اگرچه توسعه متروپلیتن را در ایالات متحده آمریکا تا حد مشخصی منعکس می‌سازد.

قبل از معرفی مدل‌های اوایل دهه ۱۹۷۰ بایست دو مدل سال ۱۹۷۹ را مورد بررسی قرار داد، زیرا آنها مدل‌های بخشش<sup>۱۸</sup> هستند و منحصراً جنبه‌های خاصی از ساختار شهری را منعکس می‌سازند.

مدل ارایه شده توسط ریس<sup>۱۹</sup> در تحقیقش از شیکاگو، در سال ۱۹۷۹ نگاره (۲) مدلی است که براساس «انتخاب سکونت»<sup>۲۰</sup> شکل گرفته است. برگس در سال ۱۹۲۵ فرض مسلم را بر توسعه مناطق مختلف شهر بنا نهاد، ریس افزایش دایمی خانه‌سازی جدید در پیرامون را پیش‌بینی کرد. این توسعه دائمی مساکن جدید توسط هر یک از طبقات اجتماعی در پیرامون نواحی مسکونی‌شان می‌پذیرد. ریس در صفحه ۱۵۹ کتابش (۱۹۷۹) می‌نویسد: «یک حرکت به سوی بیرون از نواحی مسکونی قدیمی به سوی نواحی جدیدتر مسکونی فقیرنشین (ساکنین نادار) و در قسمت فضا و

ثالثاً، عناصر قطاعی نواحی مسکونی گروه‌های مختلف اجتماعی و مناطق صنعتی در طول شریانهای حمل و نقل نشان داده شده‌اند. رابعاً، مراکز خرید و پارکهای صنعتی خصیصه چند هسته‌ای را نشان می‌دهد و نیز به عدم یکپارچگی در نواحی متروپلیتن صحه می‌گذارد. علاوه بر مدل هولزرن (۱۹۷۲) دو مدل دیگر به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند. مدل لیشتن برگر ۲۵ «توسعه نواحی متروپلیتن در شمال شرق ایالات متحده در زمان بین جنگهای جهانی» (۱۹۷۵)، وارد جزئیات بیشتری مانند فرآیندهای گوناگون ساخت و تغییرات کاربری اراضی می‌شود (نگاره ۵) از سوی دیگر فرافگذاری محلات مسکونی متعلق به گروه‌های مختلف اجتماعی فقط به صورت غیرمستقیم از طریق موزاییک کاربریهای ارضی نشان داده شده در این مدل استنتاج می‌شوند. مدل لیشتن برگر تا اندازه‌ای پرکارتر و یک‌مدل مکمل خوبی برای مدل هولزرن (۱۹۷۲) بشمار می‌رود. نهایتاً مدل استویگ (۱۹۸۳) نگاره (۶) برای این تحقیق تطبیقی انتخاب شده است. استویگ به وضوح طرح هولزرن را ترسیم کرد ولی به جزئیات بیشتری پرداخت. مثلاً موقعیت مکانی درون شهری کارمندا و سلسله مراتب درون شهری مراکز خرید را مورد مطالعه قرار داد. از سوی دیگر نمایش او از نواحی مسکونی بیش از حد مبهم است و گرادیمان (شیب) اجتماعی را ۲۶ پیشنهاد می‌کند که از پیرامون شهر به مرکز شهر با عبور از میان کل ناحیه متروپلیتن وجود دارد. شایان ذکر است که این وضعیت کمتر مصداق می‌یابد.



نگاره (۴): مدل شهر ایالات متحده (اقتباس از هولزرن ۱۹۷۲)

#### پاورقی:

(۱) بدینوسیله از راهنمایی‌های ارزنده جناب آقای دکتر مظفر شرامی استاد محترم گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین از خانم حکمت شاهن اردبیلی دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد به خاطر رسم نقشه‌ها ممنونم.

- |                                  |                        |
|----------------------------------|------------------------|
| 2) Culture Realm or Kulturredeil | 3) Albert Kolb         |
| 4) Goldberg                      | 5) Merceer             |
| 6) British North America         | 7) Alfred Hecht        |
| 8) Urban Village                 | 9) Stadt Land U.S.A    |
| 10) Lutz Holzner                 | 11) Hurd               |
| 12) Burgess                      | 13) Hoyt               |
| 14) Boskoff                      | 15) Urban Fringe       |
| 16) Exurbia (مترجم)              | 17) Zonal              |
| 18) Partial                      | 19) Rees               |
| 20) Residetal Choice             | 21) Watson             |
| 22) Land Values                  | 23) Habitation of hope |
| 24) Walter Gerling               | 25) Lichtenberger      |
| 26) Social Gradient              |                        |

به طور خلاصه، عناصر مشخصی از ساختار شهرهای آمریکای شمالی وجود دارند که از قرن نوزدهم توسعه یافته بودند مانند مسیر راه‌آهن یا توسعه بخش‌های صنعتی درست خارج از بخش مرکز تجارت (C.B.D) و عناصر دیگری وجود دارند که در زمانهای اخیر اضافه شده‌اند. مانند مراکز متعدد خرید، پارکهای صنعتی، پارکهای تجاری.

معمولاً این تغییرات بسیار عمیق و خیلی سریع در آمریکای شمالی اتفاق افتاده است. بدین ترتیب جغرافیدان را وادار می‌کند تا دائماً در ادراکش تجدید نظر کند و نیز وادارش می‌کند تا تغییرات ادراکش و انعکاس آن در رسم نمودارهایی از شهر آمریکای شمالی را دائمی سازد. □

### منابع و مأخذ:

Boskoff: The sociology of Urban regions, New York 1962, second ed. 1970  
 Burgess.E.W: The growth of the city. in: Park. R.E./Mckenzie, R.D./Burgess, E/(eds) The city of Chicago 1925.

Goldberg M.A./Mercer I.: Canadian and U.S.cities : Basic differences, possible explanations and their meaning for public policy.pap. of the Region . sci Assoc. Vol 45, P.159-183.

Goldberg M.A/ Mercer I.: The myth of the North American city: continentalism challenged, Vancouver 1986.

Harris C.D/ Ullman, E.L: The nature of cities. Ann. Amer. Acad. of. polit . and soc. sci 242, 1945.

Hecht, A: Die anglo - und Frankokandische Stadt. Ein sozioökonomischer Vergleich am Beispiel von Hamilton and Quebec city. in : Niedere, H.-J.Schroeder - LANZ, H. (eds) Beiträge zur Landeskundlich - linguistischen Kenntnis von Quebec. Trierer Geogr.stud sonderh. 1 Trier 1977.

Hofmeister, B: Stadt und Kulturräum: Angloamerika. Braunschweig 1971.

Holzner, L: Soziale Segregation und Wohnviertelsbildung in amerikanischen Städten, in: Gerling - Festschrift, Würzburg, 1972.

Holzner, L: Stadtland U.S.A - zur Auflösung und Neuordnung der U.S - amerikanischen Stadt Geogr.Zeitschr. 1985.

Hoyt, H: The structure and growth of residential neighborhoods in American cities, Washington D.C. 1939.

Hurd, R.M: City land values. New York 1903.

Kolb, A: Die Geographie und die Kulturreicheile. in : Hermann v. Wißmann - Festschrift, Tübingen 1962 p.42-49.

Kolb.A: Die Pazifische Welt. Kultur - und Wirtschaftsräume am stillen Ozean. Kleine Geogr. Schriften Bd.3, Berlin 1981.

Lichtenberger, E: Die Stadterneuerung in den USA. Ber.Z. Raumordn. U. Raumforsch.6,1975, page 3-16

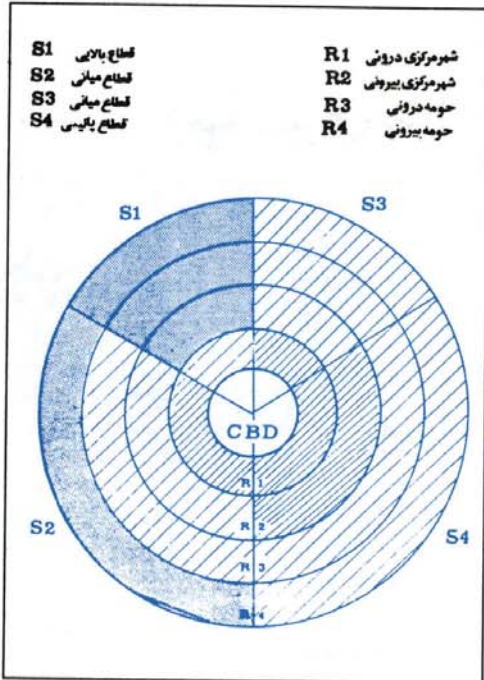
Rees, P.H: Residential Patterns in American cities: 1960. Univ.of.Chicago Dept of Geogr. Chicago 1979.

Stewig, R: Die Stadt in Industrie - und Entwicklungsländern. U.T.B 1247.

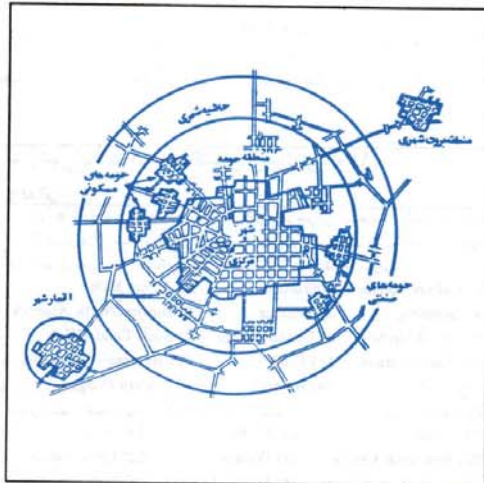
Paderborn/München/Wien/Zürich 1983

Watson, J.W. Social geography of the United States, Longman Group U.K. London 1979.

Watson, J.W.: The United States : Habitation of Hope, London, 1982.



نگاره (۵): توسعه نواحی متروپلیتن در ایالات متحده بین دو جنگ جهانی (اقتباس از لیشتن برگر ۱۹۷۵)



نگاره (۶): مدل شهر آمریکای شمالی (اقتباس از استویک ۱۹۸۳)